

باسمہ تعالیٰ

تعدد زوجات

پیامبر اکرم
صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم

برگرفته از ترجمہ تفسیر المیزان، جلد ۴، صفحہ ۳۰۷
با خلاصہ شدن و تغییراتی اندک

تعدد زوجات

پیامبر اکرم
صلی الله علیه وآله وسلم

اشاره

یکی از سؤالات متداولی که همیشه مطرح است ولی متأسفانه کمتر به آن جواب داده می‌شود، دلیل تعدد زوجات پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم است. این بحث بسیار قدیمی است و علمای اسلام جواب‌های دقیقی به آن داده‌اند. یکی از بهترین این جواب‌ها که در عین حال خلاصه و مختصر هم هست؛ پاسخ علامه طباطبایی در تفسیر المیزان به این سؤال است که ما آن را از ترجمه المیزان، جلد ۴، صفحه ۳۰۷ با تغییراتی اندک به محضر خوانندگان تقدیم می‌کنیم.

یکی از اعتراضاتی که بر مساله‌ی تعدد زوجات رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم شده این است که گفته‌اند: تعدد زوجات جز حرص در شهوت‌رانی و بی‌طاقتی در برابر طغیان شهوت، هیچ انگیزه‌ی دیگری ندارد و رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم برای همین جهت تعدد زوجات را برای امتش تجویز کرد و حتی خودش به آن مقداری که برای امت خود تجویز نموده (چهار همسر) اکتفاء نموده و عدد همسرانش را به نه نفر رسانید.

این مسأله به آیات متفرقه زیادی از قرآن کریم ارتباط پیدا می‌کند که اگر ما بخواهیم بحث مفصلی که همه‌ی جهات مسأله را فرا گیرد آغاز کنیم، علی‌القاعده باید این بحث را در تفسیر یک یک آن آیات بیاوریم و به همین جهت گفتگوی مفصل را به محل مناسب خود می‌گذاریم و در اینجا به‌طور اجمال اشاره‌ای می‌نمائیم.

ابتدا لازم است که نظر ایراد و اشکال کننده را به این نکته معطوف بداریم که تعدد زوجات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به این سادگی‌ها که آنان خیال کرده‌اند نیست و انگیزه‌ی آن جناب از این کار زیاده‌روی در زن دوستی و شهوترانی نبوده است، بلکه در طول زندگی و حیاتش هر یک از زنان را که اختیار می‌کرده، به طرز خاصی بوده است.

اولین ازدواج آن حضرت با خدیجه کبرا علیها السلام بوده، و حدود بیست سال و اندی از عمر شریفش را (که تقریباً یک ثلث از عمر آن حضرت است) تنها با این یک همسر گذراند و به او اکتفاء نمود، که سیزده سال از این مدت بعد از نبوت و قبل از هجرتش (از مکه به مدینه) بوده.

آن گاه - در حالی که هیچ همسری نداشت - از مکه به مدینه هجرت نموده و به نشر دعوت و اعلا‌ی کلمه دین پرداخت و سپس با زنانی که بعضی از آن‌ها باکره و بعضی بیوه و همچنین بعضی جوان و بعضی دیگر عجوز و سالخورده بودند ازدواج کرد و همه‌ی این ازدواج‌ها در مدت نزدیک به ده سال انجام شد و معلوم است که چنین عملی با این خصوصیات ممکن نیست با انگیزه‌ی عشق به زن توجیه شود، چون نزدیکی و معاشرت با این‌گونه زنان آن هم در اواخر عمر و آن هم از کسی که در اوان عمرش ولع و عطشی برای این کار نداشته، نمی‌تواند انگیزه آن باشد.

علاوه بر این که هیچ شکی نداریم در این که بر حسب عادت جاری، کسانی که زن دوست و اسیر دوستی آنان و خلوت با آنانند، معمولاً عاشق جمال و مفتون ناز و کرشمه‌اند که جمال و ناز و کرشمه در زنان جوان است که در سن خرمی و طراوتند و سیره‌ی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از چنین حالتی حکایت نمی‌کند و عملاً نیز دیدیم که بعد از دختر بکر، با بیوه زن و بعد از زنان جوان با پسرزن ازدواج کرد، یعنی بعد از ازدواج با عایشه و ام‌حبیبه‌ی جوان، با ام سلمه سالخورده و با زینب دختر جحش، که در آن روز بیش از پنجاه سال از عمرشان گذشته بود ازدواج کرد.

از سوی دیگر زنان خود را مخیر فرمود که اگر منظورشان از همسری با آن جناب، خدا و رسول و خانه آخرت باشد، در صورت ادامه زندگی با آن حضرت، زهد در دنیا و ترک خودآرایی و تجمل نمایند و اگر منظورشان از ازدواج با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تمتع و کام‌گیری از دنیا باشد، سراح جمیل - یعنی طلاق - را انتخاب کنند. آیه زیر شاهد بر همین داستان است:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمْتَعُكُنَّ وَأَسْرَحُكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا وَ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا

«هان ای نبی به همسرانت بگو اگر زندگی دنیا و زینت آن را می‌خواهید بیائید تا شما را از دنیا بهره‌مند کنم و سپس به‌خوبی و خوشی طلاقتان دهم، و اگر خدا و رسول و خانه‌ی آخرت را می‌خواهید بدانید که خدای عزّ و جل برای زنان نیکوکار شما اجری عظیم آماده کرده است. (سوره احزاب، آیه ۲۹)

و این معنا هم به‌طوری که ملاحظه می‌کنید با وضع مرد زن دوست و جمال‌پرست و عاشق وصال زنان، نمی‌سازد، (چون چنین مردی هرگز حاضر نیست زنی را که سال‌ها عاشقش بوده و به زحمت به وصالش رسیده، چنین آسان از دست بدهد) پس برای یک دانشمند اهل تحقیق اگر انصاف داشته باشد، راهی جز این باقی نمی‌ماند که تعدد زوجات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و زن گرفتنش در اول بعثت و اواخر عمر را، با عواملی غیر زن دوستی و شهوترانی توجیه کند.

(و اینک در توجیه آن می‌گوئیم): رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با بعضی از همسرانش به منظور کسب نیرو و به دست آوردن اقوام بیشتر و در نتیجه به خاطر جمع‌آوری یار و هوادار بیشتر ازدواج کرد و با بعضی دیگر به منظور جلب نمودن و دل‌جویی و در نتیجه ایمن شدن از شر خویشاوندان بعضی از همسرانشان ازدواج فرمود و با بعضی دیگر به این انگیزه ازدواج کرد که هزینه‌ی زندگی‌اش را تکفل نماید و به دیگران بیاموزد که در حفظ زنان بی‌شوهر فقیر و پیر زنان از فقر و مسکنت و بی‌کسی کوشا باشند، و مؤمنین رفتار رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در بین خود سنت قرار دهند و با بعضی دیگر به این منظور ازدواج کرد که با یک سنت جاهلیت مبارزه نموده و عملاً آن را باطل سازد.

۱- ازدواجش با "زینب" دختر "جحش" به همین منظور بوده است، چون او نخست همسر زید بن حارثه (پسر خوانده رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم) بود و زید او را طلاق داد و از نظر رسوم جاهلیت ازدواج با همسر پسر خوانده ممنوع بود، چون پسر خوانده در نظر عرب جاهلی حکم پسر را داشت، همان طور که یک مرد نمی تواند همسر پسر صلبی خود را بگیرد، از نظر اعراب ازدواج با همسر پسر خوانده نیز ممنوع بود، رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم با زینب ازدواج کرد تا این رسم غلط را بر اندازد، و آیاتی از قرآن در این باب نازل گردید.

وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَاَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَاَنْعَمْتَ عَلَيْهِ
أَمْسِكَ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَ تَخْشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ
تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا
قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا

(به خاطر بیاور) زمانی را که به آن کس که خداوند به او نعمت داده بود و تو نیز به او نعمت داده بودی [به فرزند خواندهات «زید»] می گفستی: «همسرت را نگاه دار و از خدا بپرهیز!» (و پیوسته این امر را تکرار می کردی) و در دل چیزی را پنهان می داشتی که خداوند آن را آشکار می کند و از مردم می ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی! هنگامی که زید نیازش را از آن زن به سرآورد (و از او جدا شد)، ما او را به همسری تو درآوردیم تا مشکلی برای مؤمنان در ازدواج با همسران پسر خوانده هایشان - هنگامی که طلاق گیرند - نباشد و فرمان خدا انجام شدنی است (و سنت غلط تحریم این زنان باید شکسته شود). (احزاب/۳۷)

۲- ازدواجش با "سوده" دختر "زمعه" به این جهت بوده که وی بعد از بازگشت از هجرت دوم از حبشه همسر خود را از دست داد و اقوام او همه کافر بودند و او اگر به میان اقوامش برمی گشت یا به قتلش می رساندند و یا شکنجه اش می کردند و یا بر گرویدن به کفر مجبورش می کردند لذا رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم برای حفظ او از این مخاطرات با او ازدواج نمود.

۳- دلیل ازدواجش با "زینب" دختر "خزیمه" این بود که همسر وی عبد الله بن جحش در جنگ احد کشته شد و او زنی بود که در جاهلیت به فقرا و مساکین بسیار انفاق و مهربانی می‌کرد و به همین جهت یکی از بانوان آبرومند و سرشناس آن دوره بود و او را مادر مساکین نامیده بودند، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خواست با ازدواج با وی آبروی او را حفظ کند (و فضیلت او را تقدیر نماید).

۴- و انگیزه ازدواجش با "ام سلمه" این بود که وی نام اصلیش "هند" بود و قبلاً همسر عبدالله بن ابی سلمه پسر عمه‌ی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و برادر شیرى آن حضرت بود و اولین کسی بود که به حبشه هجرت کرد، زنی زاهده و فاضله و دین‌دار و خردمند بود، بعد از آن‌که همسرش از دنیا رفت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به این جهت با او ازدواج کرد که چون او زنی پیر و دارای ایتام بود و نمی‌توانست یتیمان خود را اداره کند؛ خواست در این زمینه کمک حال او باشد.

۵- و ازدواجش با "صفیه" دختر "حی بن اخطب" بزرگ یهودیان بنی‌النضیر به این علت صورت گرفت که پدرش ابن اخطب در جنگ بنی‌النضیر کشته شد و شوهرش در جنگ خیبر به دست مسلمانان به قتل رسیده بود و خودش در همین جنگ در بین اسیران قرار گرفته بود، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم او را آزاد کرد و سپس به ازدواج خویش در آورد، تا به این وسیله هم او را از ذلت اسارت حفظ کرده باشد و هم داماد یهودیان شده باشد و یهود به این خاطر دست از توطئه علیه او بردارند.

۶- سبب ازدواجش با "جویریة" که نام اصلیش "برة" و دختر "حارث" بزرگ یهودیان بنی‌المصطلق بود، بدین جهت بود که در جنگ بنی‌المصطلق مسلمانان دویست خانه‌وار از زنان و کودکان قبیله را اسیر گرفته بودند، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با جویریة ازدواج کرد تا با همه‌ی آنان خویشاوند شود، مسلمانان چون اوضاع را چنین دیدند گفتند: همه‌ی این‌ها خویشاوندان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند و سزاوار نیست اسیر شوند، ناگزیر همه را آزاد کردند و مردان بنی‌المصطلق نیز چون این رفتار را بدیدند تا آخرین نفر مسلمان شده و به مسلمین پیوستند و در نتیجه جمعیت بسیار زیادی به نیروی اسلام اضافه شد و این عمل رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آن عکس‌العمل قبیله بنی‌المصطلق اثر خوبی در دل عرب به جای گذاشت.

۷- ازدواجش با "میمونه" که نامش "بره" و دختر "حارث هلالیه" بود، به این خاطر بود که وی بعد از مرگ شوهر دومش "ابی رهم" پسر عبدالعزی، خود را به رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بخشید تا کنیز او باشد، رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در برابر این اظهار محبت او را آزاد کرد و با او ازدواج نمود و این بعد از نزول آیه‌ای بود که در این باره نازل شد.

تُرْجَىٰ مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَ تَوَىٰ إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ مَنِ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَ لَا يَحْزَنَ وَ يُرْضِينَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلَّهُنَّ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا

از آنان هر یک را بخواهی می‌توانی قبول پیشنهاد را تاخیر اندازی، و هر یک را بخواهی می‌توانی پیشنهاد ازدواجش را بپذیری، و آن را هم که قبلاً طلاق گفته‌ای می‌توانی بگیری، این به خوشنودی آنان، و این که اندوهناک نشوند، و این که به همه آن چه به آنان داده‌ای راضی شوند، نزدیک‌تر است، و خدا آن چه در دل‌های شماست می‌داند، و خدا دانای شکیباست. (احزاب/۵۱).

۷- سبب ازدواجش با "ام حبیبه" (رمله) دختر "ابی سفیان" این بود که وقتی با همسرش عبیدالله بن جحش در دومین بار به حبشه مهاجرت نمود، شوهرش در آن جا به دین نصرانیت در آمد و خود او در دین اسلام ثبات قدم به خرج داد و این عملی است که باید از ناحیه‌ی اسلام قدردانی بشود، از سوی دیگر پدرش از سر سخت‌ترین دشمنان اسلام بود و همواره برای جنگیدن با مسلمین لشکر جمع می‌کرد، رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم با او ازدواج کرد تا هم از عمل نیکش قدردانی شود، و هم پدر او دست از دشمنی با او بردارد و هم خود او از خطر محفوظ بماند.

۸- ازدواجش با "حفصه" دختر عمر نیز بدین جهت بود که شوهر او خنیس بن حذافه در جنگ بدر کشته شد و او بیوه زن ماند.

۹- تنها همسری که در دختریش با حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم ازدواج

کرد عایشه دختر ابی بکر بود.

بنابراین اگر در این خصوصیات و در جهاتی که از سیره‌ی آن حضرت در اول و آخر عمرش در اول بحث آوردیم و در زهدی که آن جناب نسبت به دنیا و زینت دنیا داشت و حتی همسران خود را نیز بدان دعوت می‌کرد دقت شود، هیچ شکی باقی نمی‌ماند در این که ازدواج‌های رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نظیر ازدواج‌های مردم نبوده، به اضافه این که رفتار رسول اکرم صلوات‌الله‌علیه و علی‌آبائه‌الطاهرین با زنان و احیای حقوق از دست رفته‌ی آنان در قرون جاهلیت و تجدید حرمت به باد رفته‌شان و احیای شخصیت اجتماعیشان، دلیل دیگری است بر این که پیامبر عظیم‌الشان اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم زن را تنها یک وسیله برای شهوترانی مردان نمی‌دانسته و تمام همش این بوده که زنان را از ذلت و بردگی نجات دهد و به مردان بفهماند که زن نیز انسان است. حتی در آخرین نفس عمرش نیز سفارش آنان را به مردان کرده و فرمود: «الصلاة الصلاة و ما ملکت ایمانکم لا تکلفوهما ما لا یطیقون، اللّٰهُ اللّٰهُ فی النساء فانهن عوان فی ایدیکم - نماز، نماز و بردگانی که در ملک شمایند زنهار که مافوق طاقتشان بر آنان تحمیل نکنید، خدا را خدا را درباره‌ی زنان مد نظر داشته باشید که آنان مقهور و زیر دست شمایند.» (سیره حلبی ج ۳ ص ۴۷۳ - تا آخر حدیث).

و سیره‌ای که حضرت رحمت‌للعالمین در رعایت عدالت بین زنان و حسن معاشرتشان و مراقبت حال آنان داشت مختص به خود آن حضرت بود.

اما این که چرا برای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیش از چهار زن جایز بوده، پاسخ این است که این حکم مانند روزه‌ی وصال یعنی چند روز به یک افطار روزه گرفتن، از مختصات آن جناب است و برای احدی از امت جایز نیست، و این مساله برای همه‌ی امت روشن بود و به همین جهت دشمنانش مجال نداشتند که به خاطر آن و به جهت تعدد زوجات بر پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خرده بگیرند، با این که همواره منتظر بودند از او عملی بر خلاف انتظار بینند و آن را جار بزنند.